

## Evaluation and validation of the prayer known as Alqamah

Ali Reza Khonsha

Assistant Professor, Department of Education, Zand Institute of Higher Education, Shiraz and Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

Article information	ABSTRACT
Article type: Research Paper	Today, among Shiites, reciting the pilgrimage of Ashura is a common thing, and reciting the prayer after it, which is known as the prayer of Alqamah, has become common in some gatherings. But is it really customary to recite this prayer correctly after the pilgrimage of Ashura? What is the content of the prayer and its evaluation? In this study, this prayer has been examined using a library method and a descriptive-analytical method. The results show that this prayer is mistakenly known as Alqamah, and Alqamah did not narrate any prayer after the mention of the pilgrimage of Ashura. Also, the prayer can be considered as a valid hadith in terms of its chain of transmission, and its dating indicates that this prayer was issued in the second century AH, simultaneously with the imamate of Imam Sadiq (AS) between 114 and 148 AH, and its final text was fixed by Sheikh Tusi in the book Misbah al-Mutahajjud. Also, from the careful reading of the text of the narration and the content analysis of the prayer, it is clear that the main place of this prayer is in the pilgrimage of Imam Ali (AS). Because Sadiq Al-Ali (PBUH) recited it next to the holy shrine of Imam Ali (AS) and after visiting him, although he also greeted Imam Hussain (AS) after visiting Imam Ali (AS) from the side of the holy shrine.
<b>KEYWORDS:</b> Hadith validation, content criticism, Alqamah prayer, Ashura pilgrimage.	
Received: 2025/10/02 Accepted: 2025/11/09	
*Corresponding author: <a href="mailto:akhonsha@yahoo.com">akhonsha@yahoo.com</a>	
<b>How to cite this paper:</b> Khonsha, A.R. (2026). Evaluation and validation of the prayer known as Alqamah. Journal of culture and Islamic sciences. 10(5): 95-110.	

DOI: [10.22034/rjcis.2025.15332.1150](https://doi.org/10.22034/rjcis.2025.15332.1150)



## ارزیابی و اعتبارسنجی دعای معروف به علقمه

علیرضا خنشا

استادیار گروه معارف موسسه آموزش عالی زند شیراز و دانشگاه آزاد اسلامی شیراز، شیراز، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
<b>نوع مقاله:</b> علمی پژوهشی	امروزه در میان شیعیان قرائت زیارت عاشورا امری مرسوم و خواندن دعای بعد از آن که به دعای علقمه شهرت یافته، در برخی از مجالس متداول شده است. اما به راستی آیا خواندن این دعا به درستی بعد از زیارت عاشورا، مرسوم شده است؟ محتوای دعا و ارزش سنجی آن چگونه است؟ در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی تحلیلی، به بررسی این دعا پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که این دعا به اشتباه به علقمه معروف شده، علقمه بعد از بیان زیارت عاشورا دعایی نقل نکرده است. همچنین می‌توان دعا را از لحاظ سندی به عنوان حدیثی صحیح محسوب کرد و تاریخ گذاری آن، از صدور این دعا در قرن دوم هجری همزمان با امامت امام صادق (ع) بین سال‌های ۱۱۴ تا ۱۴۸ق و تثبیت نهایی متن آن به دست شیخ طوسی در کتاب مصباح‌المتهدج انجام گرفته است. همچنین از دقت در متن سند روایت و تحلیل محتوایی دعا به دست می‌آید که جایگاه اصلی این دعا در زیارت امام امیرالمؤمنین علی (ع) است؛ چرا که صادق آل محمد (ص) آن را در کنار مزار شریف امام علی (ع) و پس از زیارت او خوانده است، اگر چه ایشان پس از زیارت امام علی (ع) از کنار مرجع شریف، سلامی به امام حسین (ع) هم داده‌اند.
<b>واژگان کلیدی:</b> اعتبارسنجی حدیث، دعای علقمه، زیارت عاشورا، نقد محتوایی	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۴ * پست الکترونیکی نویسنده مسئول: <a href="mailto:akhonsha@yahoo.com">akhonsha@yahoo.com</a>	
<b>ارجاع:</b> خنشا، ع.ر.، ۱۴۰۴، ارزیابی و اعتبارسنجی دعای معروف به علقمه، دوفصلنامه بین‌رشته‌ای قرآن و الهیات، ۱۰(۵)، ۹۵-۱۱۰.	

## طرح مساله

در مکتب تشیع، دعا جایگاه ویژه‌ای دارد و از بهترین اوقات آن، دعا نمودن بعد از زیارت ائمه معصومین (ع) است؛ چرا که معمولاً بعد از زیارت اکثر معصومان، دعاهایی با مضامین عالی نقل شده است مانند دعای بعد از زیارت امام رضا (ع) (قمی، ۱۳۷۵: ۸۲۶). همچنین در این مکتب، نیایش از کارآمدترین شیوه‌های تربیتی است. بخش مهم و فراوانی از بینش و معارف اهل بیت (ع) اعم از عقیدتی، کلامی، اخلاقی و... از این طریق بیان شده است. اما این منبع عظیم نیز مانند سایر متون اسلامی دچار آفت‌هایی شده است که ضرورت نقد و بررسی نحوه سند، متن، و محتوای دعا امری ضروری است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۱۶). زمان و محل و شیوه قرائت و به کار بستن دعا نیز باید مورد بررسی قرار گیرد. از جمله دعاهای منقول از ائمه اطهار (ص)، دعای مشهور به علقمه می‌باشد که به عنوان دعای بعد از زیارت عاشورا برای برآورده شدن حاجات و رفع گرفتاری‌ها، فضیلت قرائت برای آن ذکر شده است (قمی، ۱۳۷۵: ۷۶۲). حال وقتی که به زیارتی که علقمه نقل می‌کند نگاه می‌کنیم، چنین دعایی را نمی‌بینیم. آیا به این معناست که این دعا ساختگی است؟ یا مطلب به گونه‌ای دیگر است.

## پیشینه پژوهش

از آنجا که دعا خود یک حدیث منقول از ائمه معصومین (ص) است، باید از ملاک‌های نقد و شناخت حدیث در تشخیص سره از ناسره در آن استفاده کرد. تاکنون در ارتباط با زیارت امام حسین (ع) به‌ویژه زیارت عاشورا، تحقیقات فراوانی صورت گرفته است. اما در ارتباط با این دعا پژوهش کمی صورت گرفته؛ لذا امکان پرداختن برای این کار در فضای علمی دینی کشور به خوبی حس می‌شود.

## اهمیت پژوهش و روش کار

درباره این دعا در دایره المعارف تشیع جلد هفتم صفحه ۵۳۰ تحقیقاتی صورت گرفته، اما کافی نیست و امکان پژوهش بیشتر حس می‌شود و چون قرائت این دعا در مجالس عزاداری حسینی امری مرسوم و متداول است لذا برای اعتبارسنجی سندی و محتوایی آن و تبیین نام و جایگاه صحیح این دعا، انجام پژوهش بر این دعا ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای با رویکرد توصیفی تحلیلی، به بررسی این دعا در کتب مشهور ادعیه و مزار پرداخته است و ان‌شاءالله بتواند راه را برای تحقیقات بیشتر در حوزه دعا پژوهی فراهم نماید.

## ۱. متن

در این جا به معرفی، منبع‌شناسی، اعتبارسنجی سندی و محتوایی، تاریخ‌گذاری و سنجش و ارزیابی دعای مشهور

به علقمه پرداخته می‌شود.

### ۱.۱. معرفی دعای معروف به علقمه

این دعا را صفوان بن مهران الجمال از امام صادق (ع) نقل می‌کند؛ اما از آنجا که در پی حدیث زیارت عاشورا که راوی اش علقمه است آمده، به نام «دعای علقمه» مشهور شده است. متن خبر یا حدیث به این شرح است:

«رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الطَّيَالِسِيُّ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ قَالَ: خَرَجْتُ مَعَ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ وَعِنْدَنَا جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا إِلَى الْغُرَى بَعْدَ مَا خَرَجَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ فَسَرْنَا مِنَ الْحِيرَةِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلَمَّا فَرَعْنَا مِنَ الزِّيَارَةِ صَرَفَ صَفْوَانُ وَجْهَهُ إِلَى نَاحِيَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَ فَقَالَ لَنَا تَزُورُونَ الْحُسَيْنَ عَ مِنْ هَذَا الْمَكَانِ مِنْ عِنْدِ رَأْسِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ مِنْ هَاهُنَا أَوْ مَا إِلَيْهِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ عَ وَ أَنَا مَعَهُ قَالَ فَدَعَا صَفْوَانُ بِالزِّيَارَةِ الَّتِي رَوَاهَا عَلْقَمَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ ثُمَّ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ عِنْدَ رَأْسِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ وَوَدَّعَ فِي دُبُرِهَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَوْماً إِلَى الْحُسَيْنِ بِالسَّلَامِ مُنْصَرِفاً وَجْهَهُ نَحْوَهُ وَوَدَّعَ وَكَانَ فِيهَا دَعَا فِي دُبُرِهَا؛ روایت کرده است محمد بن خالد طيالسی، از سیف بن عمیره که گفت: بیرون رفتم با صفوان جمال و جمعی از اصحاب ما به جانب نجف، قبر حضرت امیرالمؤمنین، صلوات الله علیه، را زیارت کردیم. پس چون فارغ شدیم صفوان روی خود را گردانید به سوی قبر حضرت امام حسین، صلوات الله علیه، و گفت: زیارت می‌کنیم حضرت امام حسین را از این مکان، از بالای سر حضرت امیرالمؤمنین (ع) که جناب امام صادق (ع) از اینجا، با ایما و اشاره بر آن حضرت سلام کرد و من در خدمتش بودم. سیف گفت: پس خواند صفوان همان زیارتی را که روایت کرده بود علقمه بن محمد حضرمی از حضرت امام باقر (ع) در روز عاشورا، آن‌گاه دو رکعت نماز کرد در نزد سر امیرالمؤمنین (ع) و سپس او را وداع گفت و به جانب قبر امام حسین اشاره نمود و بعد از زیارت امام حسین (ع)، این دعا را خواند: «يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا كَاشِفَ كُرْبِ الْمَكْرُوبِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ... تا آخر دعا».

بعد از اتمام دعا آمده است: «قَالَ سَيْفُ بْنُ عَمِيرَةَ فَسَأَلْتُ صَفْوَانَ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ عَلْقَمَةَ بْنَ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيَّ لَمْ يَأْتِنَا بِهَذَا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَ إِنَّمَا آتَانَا بِدَعَاءِ الزِّيَارَةِ فَقَالَ صَفْوَانُ وَرَدْتُ مَعَ سَيِّدِي أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ إِلَى هَذَا الْمَكَانِ فَفَعَلَ مِثْلَ الَّذِي فَعَلْنَاهُ فِي زِيَارَتِنَا وَدَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ عِنْدَ الْوَدَاعِ بَعْدَ أَنْ صَلَّى كَمَا صَلَّيْنَا وَوَدَّعَ كَمَا وَدَّعْنَا ثُمَّ قَالَ لِي صَفْوَانُ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ تَعَاهَدُ هَذِهِ الزِّيَارَةَ وَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَزُرْ بِهِ فَإِنِّي ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى لِكُلِّ مَنْ زَارَ بِهَذِهِ الزِّيَارَةَ وَدَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ مِنْ قُرْبٍ أَوْ بَعْدٍ أَنْ زِيَارَتَهُ مُقْبُولَةٌ وَ سَعِيَهُ مَشْكُورٌ وَ سَلَامُهُ وَاصِلٌ غَيْرَ مَحْجُوبٍ وَ حَاجَتُهُ مُقْضِيَةٌ مِنْ

۱. به جهت اختصار از ذکر ترجمه خودداری شده است. رجوع به کتب ادعیه

۲. به جهت اختصار بقیه دعا ذکر نشده است. رجوع به کتب ادعیه و مزار

اللَّهِ بِالْغَا مَا بَلَّغَتْ وَلَا يُخَيِّبُهُ؛ سيف بن عمیره گفت: از صفوان پرسیدم و به او گفتم علقمه بن محمد حضرمی، این دعا را برای ما از امام باقر(ع) نقل نکرد، بلکه همان زیارت (زیارت عاشورا) را حدیث کرد. صفوان گفت که با امام صادق(ع) به این مکان وارد شدم، پس به جا آورد مثل آنچه را که ما به جا آوردیم در زیارت، و دعا کرد به این دعا هنگام وداع بعد از اینکه دو رکعت نماز گذاشت، چنان که ما نماز گذاشتیم و وداع کرد چنان که ما وداع کردیم. پس صفوان گفت که حضرت صادق(ع) به من فرمود که مواظب باش این زیارت را و بخوان این دعا را و زیارت کن به آن. پس به درستی که من ضامنم بر خدا برای هر که زیارت کند به این زیارت و دعا کند به این دعا از نزدیک یا دور اینکه زیارتش مقبول شود و سعیش مشکور و سلامش به آن حضرت برسد و محبوب نماید و حاجت او قضا شود از جانب خدای تعالی به هر مرتبه که خواهد برسد و او را نوید برنگرداند» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۷۷۷؛ ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۲۱۴؛ سیدبن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۲۷۲؛ شهید اول، ۱۴۱۰ق: ۱۸۶؛ کفعمی، ۱۴۱۲ق: ۵۷۱؛ مجلسی، ۱۳۸۶: ۴۲۷؛ قمی، ۱۳۷۵: ۷۵۵).

## ۲.۱. منبع و کتاب‌شناسی دعا

این دعا در کامل الزیارات ابن قولویه (م ۳۶۷)، و المزار شیخ مفید (م ۴۱۳) نیست؛ ولی علامه مجلسی آن را از شیخ مفید نیز نقل نموده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷: ۳۰۵). به نظر می‌رسد قدیمی‌ترین کتاب ادعیه و مزار که حاوی این دعاست، کتاب مصباح المتعبد و سلاح المتعبد شیخ طوسی (م ۴۶۰) است (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۷۷۷). بعد از شیخ، محمدبن جعفر مشهدی (۵۱۰-۶۱۰ق) معروف به ابن مشهدی در کتاب المزار الکبیر خود، این دعا را فقط در پایان زیارت آخر امام علی(ع) با ذکر سندش بیان می‌کند (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۲۱۴). همچنین نقل شده این دعا در کتاب نزاهه الزاهد [ادعیه مأثور از امامان معصوم با توضیحات فارسی در سده ششم] نیست و بعد از زیارت عاشورا نقل نشده است (نزاهه الزاهد، ۱۳۷۶ش: ۳۵۱). سپس سیدبن طاووس (۵۸۹-۶۶۴ق) در کتاب مصباح الزائر، آن را ابتدا در پایان زیارت امیرالمومنین(ع) (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۱۲۹) و سپس آن را در فصل زیارت امام حسین(ع) بعد از خاتمه زیارت عاشورا ذکر می‌کند (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۲۷۲).

شهید اول (۷۳۴-۷۸۶ق) در کتاب المزار خود آن را بعد از زیارت عاشورا (عاملی، ۱۴۱۰ق: ۱۸۶) و تقی‌الدین ابراهیم بن علی کفعمی (۸۴۰-۹۰۵ق) در کتاب المصباح خود، آن را بعد از زیارت عاشورا نقل می‌کند (کفعمی، ۱۴۱۲ق: ۵۷۱). بالاخره علامه مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق) در کتاب بحار الانوار آن را با ذکر سند به نقل از شیخ مفید بیان می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۷: ۳۰۵). همچنین ایشان در دو کتاب دیگر خویش به نام تحفه الزائر در دو جا این دعا را نقل می‌کند. ابتدا در فصل زیارات امیرالمومنین(ع)، آن گاه دوباره در آداب زیارت امام حسین(ع) بعد از

زیارت عاشورا (مجلسی، ۱۳۸۶: ۱۳۲، ۴۲۷) و نیز در کتاب زاد المعاد خویش (مجلسی، بی تا: ۴۲۵) به بیان آن می‌پردازد.

این دعا امروزه با ذکر شدن آن در مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی (۱۲۹۴-۱۳۵۹ق) در پایان زیارت عاشورا به عنوان دعای بعد از زیارت (قمی، ۱۳۷۵: ۷۵۵) به عنوان دعای علقمه مشهور شده است و مؤمنین در مجالس عزاداری امام حسین (ع)، آن را معمولاً پس از اتمام زیارت عاشورا می‌خوانند. البته گمان برده می‌شود که چون راوی زیارت عاشورا، علقمه از امام باقر (ع) است، لذا مؤمنین احتمالاً دچار اشتباه شده‌اند و آن را ادامه زیارت عاشورا قلمداد کرده و دعای علقمه خطاب نموده‌اند.

### ۳.۱. اعتبارسنجی سندی دعا

سند این دعا به این صورت است: «محمد بن خالد الطیالسی از سیف بن عمیره از صفوان بن مهران الجمال از امام صادق (ع)» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۷۷۷). در اسناد این حدیث به نقل از قدیمی‌ترین نسخه‌ای از این دعا که در کتاب مصباح المتعجد و سلاح المتعبد شیخ طوسی آمده است، سه راوی دیده می‌شود:

#### ۱. محمد بن خالد الطیالسی:

وی از اصحاب موسی کاظم (ع) (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۲۲۸) و از راویان حدیث است (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۹۳، ۳۲۴؛ ج ۲: ۳۷۵، ۵۰۳، ۵۲۵). او صاحب کتاب نوادر و در سال ۲۵۹ق فوت کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۳۷). همچنین کتاب ایشان نزد شیخ طوسی بوده و او از طریق اسناد زیر به آن دسترسی داشته است: «له کتاب رویانه عن الحسين بن عبيد الله، عن أحمد بن محمد بن يحيى، عن أبيه، عن محمد بن علي بن محبوب، عنه» (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۲۲۸).

به عنوان نمونه، بخشی از گفتار آیت الله خوئی درباره ایشان نقل می‌شود: «وعدده فی رجاله (طوسی) فی أصحاب الكاظم علیه السلام. روی (محمد بن خالد الطیالسی) عن سيف بن عميرة، و صالح بن عقبه، و روی عنه محمد بن موسی الهمدانی. کامل الزیارات: الباب ۷۱، فی ثواب من زار الحسين علیه السلام یوم عاشوراء، الحدیث ۸. وقع بعنوان محمد بن خالد الطیالسی فی إسناد جملة من الروایات، تبلغ ثلاثة عشر موردا» (خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۱۰۰). چند نمونه حدیث که ایشان جزو راویان است: «و فی أصول الكافی: علی بن ابراهیم، عن محمد بن خالد الطیالسی، عن صفوان بن يحيى، عن ابن مسكان، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قلت له: لم يزل الله متكلمًا؟ قال: إن الكلام صفة محدثة، ليس بأزلية، كان الله (عز وجل) ولا متكلم» (كلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۱: ۱۰۷؛ مشهدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۶۸۷).

«فی بصائر الدرجات: محمد بن خالد الطیالسی عن سیف بن عمیره عن ابي بصیر عن ابي جعفر علیه السلام قال: الرجس هو الشک ولا شک فی دیننا أبدا» (عروسی حویزی، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ۲۷۷) و در تفسیر فرات کوفی نیز جزو راویان حدیث شیعه قرار دارد (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۹۲، ۱۱۰). در مجموع با توجه به مطالب ذکر شده و اعتماد علمای بزرگ مانند آیت الله العظمی شبیری زنجانی (ایشان در بحث خود درباره صحت سند زیارت عاشورا، وثاقت محمد بن خالد طیالسی را پذیرفته و به اعتماد شیخ به صدور روایت از وی استناد کرده و دقیقاً همین روایت صفوان را معتبر شمرده است)؛ لذا می توان به وثاقت این راوی پی برد و به کتاب وی که نزد شیخ طوسی بوده، اعتماد کرد.

## ۲. سیف بن عمیره:

وی از اصحاب و راویان حدیث از امام جعفر صادق و امام موسی کاظم، علیهما السلام، است. بزرگان علم رجال او را توثیق نموده اند و در معرفی وی، او را نخعی، عربی، کوفی و ثقة معرفی نموده اند (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۱۸۹؛ طوسی، ۱۴۱۷ق: ۱۴۰؛ حلی، ۱۴۱۷ق: ۱۶۰؛ ابن داوود، ۱۳۹۲ق: ۱۰۸؛ بروجردی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۳۱۱؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۹: ۳۸۱). همچنین برای وی کتابی نقل شده است (طوسی، فهرست، ۱۴۱۷ق: ۱۴۰).

## ۳. صفوان بن مهران الجمال:

رجالیون او را ثقة، و از اصحاب امام جعفر صادق، علیه السلام، می دانند (ر.ک. نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۹۳؛ زراری، ۱۳۹۱ق: ۸۵؛ طوسی، فهرست، ۱۴۰۷ق: ۱۴۷؛ طوسی، رجال، ۱۴۱۵ق: ۲۲۷؛ تفرشی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۴۲۱؛ شیخ حسن، ۱۴۱۱ق: ۳۰۰؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۳ق: ۲۶۵؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰: ۱۳۲). در برخی کتب تفسیری نیز از وی حدیث نقل شده است (ثمالی، ۱۴۲۰ق: ۴۴؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲: ۲۸؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۳۶۳). بنابراین اعتبار سنجی راویان این حدیث نشان می دهد که همگی ثقة و قابل اعتماد می باشند؛ اما نکته مهم و ایرادی که به سند این خبر وارد است، این است که محمد بن خالد الطیالسی در سال ۲۵۹ (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۳۷) فوت کرده و اولین فردی که این دعا را از او نقل کرده، شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق) است. یعنی سلسله سندی که این حدیث از شیخ طوسی تا طیالسی وصل شود، مشخص نیست. شیخ درباره طریق خویش به محمد بن خالد الطیالسی می نویسد: «له کتاب رویناه عن الحسن بن عبید الله، عن أحمد بن محمد بن یحیی، عن أبیه، عن محمد بن علی بن محبوب، عنه» (طوسی، ۱۴۱۷ق، فهرست: ۲۲۸). البته این طریق شیخ به طیالسی به طور کلی و در کتاب الفهرست ایشان است و احتمالاً شامل این دعا هم می شود.

## ۱.۳.۱. بررسی وثاقت افراد طریق شیخ طوسی

### ۱. حسین بن عبید الله

او شیخ و استاد نجاشی و طوسی بوده است و هردو او را ستوده و به وثاقت او اعتماد دارند و روایات فراوانی از او نقل می‌نمایند (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۶۹؛ طوسی، فهرست، ۱۴۰۱ق: ۱۰).

#### ۲. احمد بن محمد بن یحیی

نام او در سلسله اسناد بسیاری از راویان در رجال نجاشی (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۴۵۳-۱۳) و فهرست طوسی (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۵۳۶-۲۹) آمده است. این کثرت و فراوانی نقل می‌تواند نشان از مدح یا وثاقت راوی باشد. البته درباره این راوی اختلاف است و برخی او را مهمل (ابن داوود، ۱۳۹۲ق: ۴۵) و برخی او را غیر موثق دانسته‌اند (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶: ۷۰).

#### ۳. محمد بن علی بن محبوب

علمای علم رجال او را توثیق، فقیه، صحیح المذهب و بزرگ قمی‌ها در زمان خودش می‌دانند (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۴۹؛ طوسی، فهرست، ۱۴۱۷ق: ۴۱۲؛ ابن داوود، ۱۳۹۲ق: ۳۲۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۷ق: ۱۵۷؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶: ۷۰). البته برخی از اندیشمندان معاصر معتقدند از آنجا که کتاب محمد بن خالد الطیالسی نزد شیخ طوسی حاضر و ثابت بوده و شیخ در کتاب الفهرست به آن اشاره می‌کند و طریقتش را به آن بیان می‌نماید و انتساب این کتاب به مؤلفش در عصر شیخ طوسی مسلم است، لذا بررسی حجیت طریق رجالی واسطه میان شیخ طوسی تا کتاب نامبرده ضرورت علمی ندارد و انتساب قطعی و مسلم است و نیازی به تحصیل سند نیست (لباف، ۱۳۹۱: ۷۲). این مطلب به عنوان قرینه و شاهد برای بررسی صحت سند ذکر شد. در مجموع می‌توان بیان کرد که طریق شیخ طوسی به محمد بن خالد الطیالسی، صحیح و سند حدیث، سالم و اعتبارسنجی آن مثبت است.

#### ۴.۱. تحلیل محتوای دعا

**الف.** دعای مشهور به علقمه مشتمل بر معانی بلند و جامع حوایج دنیوی و اخروی به خصوص تولی و تبری است. خواننده در ابتدای این دعا، خداوند را با صفاتی یاد می‌کند، بعد خداوند را به پنج تن قسم می‌دهد و به خداوند توسل می‌جوید و ائمه را شفیع قرار می‌دهد. این دعا مقام و فضیلت ائمه را بیان می‌کند و شخص مؤمن از خداوند می‌خواهد که به پیامبر (ص) و آل او صلوات بفرستد، حاجاتش را بر آورده سازد، از شر دشمنان نجات دهد، این زیارت را آخرین زیارت قرار ندهد و بین او و اهل بیت (ع) جدایی قرار ندهد. یا به عبارتی دعا با ذکر حمد و ثنای الهی و بیان صفات و مراتب توحید آغاز می‌شود. آن‌گاه خواننده، خدا را به پنج تن آل عبا قسم می‌دهد و آنان را شفیع نزد خداوند قرار می‌دهد و پس از ذکر صلوات، طلب عفو و رحمت، گشایش امور و رفع غم و اندوه، بی‌نیازی از درخواست به مخلوق، پناه جستن از کید مکاران و دشمنان و... را مطرح می‌نماید.

ب. در متن این دعا فرازهایی در تبری و نفرین دشمن آمده است: «اللَّهُمَّ اشْغَلْ عَنِّي بِفَقْرٍ لَا تَجْبُرُهُ، وَبِإِلَاءٍ لَا تَسْتُرُهُ، وَبِفَاقِهِ لَا تَسُدُّهَا، وَبِسُقْمٍ لَا تُعَافِيهِ، وَذُلٍّ لَا تُعِزُّهُ، وَبِمَسْكَنَةٍ لَا تَجْبُرُهَا، اللَّهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ نَصَبَ عَيْنِي، وَادْخُلْ عَلَيَّ الْفَقْرَ فِي مَنْزِلِهِ، وَالْعِلَّةَ وَالسُّقْمَ فِي بَدَنِهِ حَتَّى تَشْغَلَ عَنِّي بِشُغْلٍ شَاغِلٍ لَا فَرَاغَ لَهُ وَآنَسَهُ ذِكْرِي كَمَا آنَسْتَهُ ذِكْرَكَ وَخُذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ وَبَبَصَرِهِ وَبِلِسَانِهِ وَبِيَدِهِ وَبِرِجْلِهِ وَقَلْبِهِ وَجَمِيعِ جَوَارِحِهِ وَادْخُلْ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ السُّقْمِ؛ خدایا او را گرفتار کن از من به چنان فقر و بیچارگی که جبرانش نکنی و به بلایی که از آن حفظش نکنی و به نیازی که جبرانش نکنی و به دردی که او را عافیت نبخشی و به خواری و ذلتی که او را عزت ندهی و به چنان بیچارگی که جبرانش نکنی. خدایا ذلت را در مقابل دیدگان او قرار بده و فقر و نداری را در خانه او و بیماری و درد را در بدن او داخل کن تا او را از من به کاری مشغول و گرفتار سازی که فراغتی نداشته باشد و یادم را از خاطر او بیر همان گونه که یاد خودت را از خاطرش برده‌ای و گوش و چشم و زبان و دست و پای و دل و تمامی اعضای او را از من باز دار و تمامی اعضای بدن او را به بیماری مبتلا کن» (کورانی عاملی، ۱۴۲۳ق: ۱۰۵؛ حسن، ۱۴۱۸ق: ۹۴).

حال چند سوال مطرح است:

۱. دشمنان چه کسانی بوده‌اند که امام معصوم (ع) اینگونه نفرینشان کرده است؟
  ۲. مخاطب واقعی این فرازهای دعا چه کسی است؟
  ۳. آیا برای دشمنان دینی گفته شده یا دشمنان مردمی؟ مورد خطاب حکام بنی امیه است یا بنی عباس؟
- ج. فراز آخر دعا با خطاب قرار دادن امیرالمؤمنین (ع) و امام حسین (ع) از آن‌ها خداحافظی می‌کند و در خواست تجدید زیارت و عدم جدایی با آن‌ها را مطرح می‌نماید. این فراز آخر نشان می‌دهد که این دعا همان طور که در سندش ذکر شده، باید در محلی خوانده شده که به مضجع شریف امام علی (ع) نزدیک بوده و هر دو امام مورد توجه و زیارت قرار گرفته‌اند، یعنی این فراز تأیید می‌کند که این دعا در محلی که امروزه نجف خوانده می‌شود، از معصوم (ع) صادر و بیان شده است. برخی از عالمان شیعه نیز معتقدند که چون این حدیث مشتمل بر فضیلت عظیم است، بهتر است هر گاه بخواهد به آن عمل کنند، ابتدا زیارت امیرالمؤمنین (ع) و سپس زیارت امام حسین (ع) و آن گاه این دعا را بخوانند تا هم به همه حدیث عمل شده و هم فضیلت عظیم را درک نمایند (مجلسی، ۱۳۸۶: ۱۴۰). ایشان درباره جایگاه قرائت این دعا می‌نویسد: «از قراین روایات که در این دعا در این جا در زیارت امام حسین (ع) در روز عاشورا ذکر کرده‌اند، معلوم می‌شود که مؤلفان مزارات، این حدیث را تفریق و اختصار کرده‌اند» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۱۴۱). بنابراین، از دقت در متن سند روایت و تحلیل محتوایی دعا به دست می‌آید که بهتر است این دعا در فصل زیارت امیرالمؤمنین (ع) آورده شود. این کار را برخی از اندیشمندان معاصر انجام داده‌اند (مکارم، ۱۳۸۴: ۲۷۱).

۵. از فرازهایی از دعا که در آن تعبیراتی مانند «یا امیرالمؤمنین... من زیارتک... یا امیرالمؤمنین...» آمده است هم نشان می‌دهد که بهترین جایگاه برای قرائت این دعا در ذیل زیارت امام امیرالمؤمنین (ع) است (مکارم، ۱۳۸۴: ۲۷۵).

۵. معمولاً برای برخی از عزاداران حسینی ابهاماتی وجود دارد که چرا در آخر دعایی که بعد از زیارت عاشورا خوانده می‌شود، سخن از وداع با امیرالمؤمنین (ع) است: «یا امیرالمؤمنین و یا ابا عبدالله» (مکارم، ۱۳۸۴: ۲۷۵). خود این ابهام و متن دعا نشان می‌دهد که بهتر است دعا به نام صفوان و پس از زیارت امام علی (ع) خوانده شود و ظاهراً منشأ اشتباه، کیفیت نقل علامه مجلسی در بحارالانوار است: «پس صفوان گفت که حضرت صادق، علیه السلام، به من فرمود که مواظب باش این زیارت را و بخوان این دعا (علقمه) را و زیارت کن به آن. پس به درستی که من ضامنم بر خدا برای هر که زیارت کند به این زیارت و دعا کند به این دعا از نزدیک یا دور اینکه زیارتش مقبول شود و سعیش مشکور و سلامش به آن حضرت برسد و محجوب نماند و حاجت او قضا شود از جانب خدای تعالی به هر مرتبه که خواهد برسد و او را نومید برنگرداند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۷: ۳۰۵).

۹. از دقت در کتاب مفاتیح الجنان (قمی، ۱۳۷۵: ۷۵۵) به دست می‌آید که خود مرحوم شیخ عباس قمی این دعا را به عنوان «دعای بعد از زیارت عاشورا» آورده و نامی از علقمه نیاورده است و این نشان از اشتباه در معروف شدن به نام «دعای علقمه» دارد؛ زیرا به تصریح روایت، راوی دعا، سیف‌بن عمیره مطابق نقل شیخ طوسی در مصباح المتهجد؛ اساساً علقمه بعد از زیارت عاشورا، دعایی ذکر نکرده و این دعا از صفوان نقل شده است.

### ۵.۱. تاریخ‌گذاری دعای مشهور به علقمه

از دقت در متن سند دعا: «روایت کرده است محمدبن خالد طیالسی، از سیف‌بن عمیره که گفت: با صفوان جمال و جمعی از اصحاب ما به جانب نجف بیرون رفتیم. پس حضرت امیرالمؤمنین، صلوات الله علیه، را زیارت کردیم. پس چون فارغ شدیم صفوان روی خود را گردانید به سوی قبر حضرت امام حسین، صلوات الله علیه، و گفت: زیارت می‌کنیم حضرت امام حسین را از این مکان، از بالای سر حضرت امیرالمؤمنین (ع)، [چرا که] جناب امام صادق (ع) از اینجا، با ایما و اشاره بر آن حضرت سلام کرد و من در خدمتش بودم» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۷۷۷). می‌توان به تاریخ صدور این دعا در زمان حیات امام جعفر بن محمد الصادق (ع) پی برد یا به عبارتی از بررسی سند دعا، چند نکته قابل برداشت است:

الف. از آنجا که متن دعا و سلسله اسناد آن در تمامی کتب ادعیه و مزار یکسان است و به صفوان بن مهران جمال از امام صادق (ع) ختم می‌شود، لذا می‌توان تاریخ صدور این دعا را، در قرن دوم هجری همزمان با امامت امام صادق (ع) بین ساله‌ای ۱۱۴ تا ۱۴۸ق دانست.

ب. چون قدیمی ترین مرجعی که دعا را نقل نموده است، کتاب مصباح المتعبد شیخ طوسی است، لذا می توان نتیجه گرفت که متن دعا در زمان شیخ طوسی از اصول اولیه موجود نزد ایشان، نسخه برداری و تثبیت شده است و سایر مؤلفان کتب ادعیه و مزار از ایشان اخذ و نسخه برداری کرده اند.

### ۶.۱. سنجش و ارزیابی دعا

برخی از صاحب نظران (بستانی، ۱۳۸۶: ۱۲۶-۳۳۲؛ نفیسی، ۱۳۷۷: ۴۴-۵۲۴۴) معیارهایی برای سنجش حدیث و دعا بیان نموده اند. با استفاده از این معیارها و ملاک ها در سنجش دعای مشهور به علقمه، می توان به موارد زیر اشاره نمود:

#### الف. معیار سنجش دعا با ارزش های قرآنی

در قرآن مجید سخن از تولی و تبری آمده است (مسد: ۱-۵، همزه: ۱) یا واژه ای مانند لعن و مشتقات آن ۴۱ بار در قالب لعن الله کافرین، لعن الله ظالمین و... بیان شده است (ر.ک. آل عمران: ۸۷؛ احزاب: ۸). پس در قرآن به صراحت، فرد یا گروهی مورد عتاب و سرزنش قرار گرفته اند. همچنین واژه شناسی نشان می دهد که واژه لعن به معنای طرد و راندن یا دور کردن و تبعید است و لعنت از سمت خدای متعال، یعنی طرد شدن از مقام قرب و سلب توفیق و دور شدن از رحمت الهی و از جانب انسان، یعنی نفرین و درخواست این دوری از جانب خداوند عزیز است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۲۵۲؛ راغب، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۷۴۱).

به طور کلی گروه های زیر طبق آیات قرآن مجید، ملعون به شمار می روند:

- شیطان: (سوره ص، آیات: ۷۵-۷۸).

- کافران: «إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكُفْرِينَ وَ أَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا» (حزاب: ۶۴).

- کشتندگان و قاتلان مؤمنان: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» (نساء: ۹۳).

- معاندین و دشمنان از اهل کتاب: «لَعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ» (مائده: ۷۸).

- ظالمان و دروغ گویان در شهادت حق و باطل و هدایت و ضلالت: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَ يَقُولُ الْأَشْهَدُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» (هود: ۱۸).

- آزاردهندگان به پیامبر اکرم (ص): «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا» (احزاب: ۵۷).

- منافقین (زن و مرد): «وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ» (التوبه: ۶۸).

- مفسدان و قطع رحم کنندگان: «فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ؛ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ» (محمد: ۲۲-۲۳)

از دقت در آیات قوق و فرازهای لعن در زیارت عاشورا به دست می‌آید که برای تبری از دشمن از واژه لعن استفاده شده، نه بیشتر و نه کمتر.

### ب. معیار آهنگ کلی دعا:

نما و آهنگ کلی دعا نشان می‌دهد که این دعا بعد از زیارت امام علی (ع) و سپس امام حسین (ع)، بیان شده است [آمدن چند بار نام این دو امام (ع) با هم و خداحافظی از هر دو]؛ لذا این فرضیه‌ی ذکر شده که نشان از محل این دعا بعد از زیارت مولای متقیان، حضرت علی (ع)، است تقویت می‌شود.

### ج. معیار هم سویی با احادیث و سایر ادعیه قطعی از ائمه معصومین (ع)

معمولاً در سایر دعاها منسوب به ائمه (ص) برای در امان ماندن از شر دشمنان و مکر خائنان از عبارت‌هایی استفاده شده است:

- دعای کمیل: «اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَارِدُهُ وَمَنْ كَادَنِي فَكِدُهُ؛ خدایا هر که بد مرا خواهد بدش را و هر که به من مکر کند، به مکر خویش دچارش کن» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۸۴۴؛ ابن طاووس، ۱۴۱۸ق: ۷۰۶؛ کفعمی، ۱۴۲۰ق: ۵۵۵).

- دعای سمات: «وَ أَكْفِنِي مَثْوَنَةَ إِنْسَانٍ سَوْءٍ وَ جَارٍ سَوْءٍ وَ قَرِينٍ سَوْءٍ وَ سُلْطَانَ سَوْءٍ إِنَّكَ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ؛ و مرا از رنج انسان بد و همسایه بد و همنشین بد و پادشاه بد کفایت کن. همانا تو بر هر چه بخواهی توانایی» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۱۶؛ ابن طاووس، ۱۳۷۱ش: ۵۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۸۷: ۹۶).

- تعقیبات مشترکه: «أُعِيدُ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وَكَلْدِي وَ إِخْوَانِي فِي دِينِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِي وَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ...؛ در پناه خدا می‌فرستم خود را و دین و اهل بیت و مال و فرزند و برادران خود را و آنچه پروردگارم به من روزی کرده و خاتمه‌ی عملم را و هر که را به من مربوط است، همه را به خدای یکتای فرد بی‌نیازی که او را پدر و فرزند نیست و بی‌کفو و مانند است، می‌سپارم...» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۰۵؛ کفعمی، ۱۴۲۰ق: ۲۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۴ش: ۱۰۳۵). بنابراین از سنجش این دعا با معیار فوق به دست می‌آید که اهل بیت (ص) با این جملات، برای در امان ماندن از شر مکاران و دشمنان به خدا پناه می‌برده‌اند.

### د. معیارهای کلامی

عصر دو امام باقر و صادق(ع) از نظر رشد و پیدایش جریانات گوناگون کلامی و فقهی، عصری حساس و ویژه بود و مشربها و فرقه‌های فراوانی مانند معتزله، مرجئه، زنادقه، قدریه، کیسانیه، زیدیه و غلات به وجود آمده بودند. در نتیجه شرایطی به وجود آمد که تشخیص راه صحیح از خطوط انحرافی به دشواری صورت می‌گرفت. در برخورد با این جریانات، صادقین(ع) برخوردی فعال داشتند؛ یعنی یا خودشان یا از طریق تربیت فقیه و متکلم و محدث، باب بحث و مناظره را با آنان در مجالس گوناگون می‌گشودند(معارف، ۱۳۹۳ش: ۲۲۳؛ شاکری، ۱۴۱۸ق: سرتاسر اثر). بنابراین شاید این نفرین‌ها ناشی از مجادلات کلامی با دیگر فرقه‌ها از جمله زنادقه یا غلات باشد.

### نتیجه‌گیری

نتایج جست‌وجو در میان کتب ادعیه و تاریخ‌گذاری و اعتبارسنجی سندی و محتوایی این دعا نشان می‌دهد:

۱. حدیثی که در آن دعای معروف به علقمه آمده است، می‌توان از لحاظ سندی، حدیثی صحیح دانست.
۲. تاریخ‌گذاری حدیث، از صدور این دعا در قرن دوم هجری همزمان با امامت امام صادق(ع) بین سال‌های ۱۱۴ تا ۱۴۸ق خبر می‌دهد و نیز متن دعا در زمان شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق) در کتاب مصباح‌المتعبد و سلاح‌المتعبد ایشان، تثبیت نهایی شده است.
۳. اعتبارسنجی سندی دعا نشان از وثاقت راویان این حدیث دارد. اگرچه در کتاب مصباح‌المتعبد شیخ طوسی که قدیمی‌ترین سند این دعاست، طریق او تا محمدبن خالد الطیالسی نیامده است، اما احتمالاً طریق شیخ در این دعا، همان طریقه‌ش به او در کتاب الفهرست ایشان است. همچنین شیخ طوسی به کتاب یا اصل سیف‌بن عمیره و محمدبن خالد الطیالسی دسترسی داشته است و این می‌تواند نشان از عدم احتیاج به بررسی رجالی سلسله‌راویان میان شیخ طوسی تا محمدبن خالد الطیالسی داشته باشد.
۵. این دعا به اشتباه به عنوان دعای علقمه میان مردم مشهور شده؛ زیرا به تصریح سند حدیث، علقمه بعد از زیارت عاشورا، دعایی را نقل نکرده است.
۶. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که جایگاه اصلی این دعا در زیارت امام امیرالمؤمنین علی(ع) است؛ چرا که صادق آل محمد(ص) آن را در کنار مزار شریف امام علی(ع) و پس از زیارت او خوانده است. اگرچه ایشان پس از زیارت امام علی(ع) از کنار مرجع شریف، سلامی به امام حسین(ع) هم داده‌اند.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم، خطاط عثمان طه،
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۳. ابن داوود، حسن بن علی، (۱۳۹۲ق). رجال ابن داوود، نجف: المطبعة الحیدریه.
۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد، (۱۳۵۶ش). کامل الزیارات، تهران: انتشارات مرتضویه.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۷۵ش). مصباح الزائر، قم: موسسه آل البيت (ع).
۶. ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۷۱ش). جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، محقق: جواد قیومی، قم: موسسه الافاق.
۷. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی
۸. ابو حمزه ثمالی، ثابت بن دینار، (۱۴۲۰ق). تفسیر القرآن الکریم (ثمالی)، مصصح: آیت الله محمد
۹. ابی الفضل تهرانی، حاج میرزا، (۱۳۷۰). شفاء الصدور فی شرح زیارت العاشور، تهران: انتشارات امیر المومنین (ع).
۱۰. انصاری قمی، ناصرالدین، (۱۳۸۱). «کتاب شناسی زیارت عاشورا»، مجله علوم حدیث، شماره ۲۳، ص ۱۴۰-۱۵۱.
۱۱. بروجردی، سید علی، (۱۴۱۰ق). طرائف المقال، قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
۱۲. بستانی، قاسم، (۱۳۸۶). معیارهای شناخت احادیث ساختگی، اهواز: نشر رسش.
۱۳. تفرشی، سید مصطفی بن حسین، (۱۴۱۸ق). نقد الرجال، قم: موسسه آل البيت (ع).
۱۴. حرانی، حسن بن شعبه، (۱۴۰۰ق). تحف العقول عن آل الرسول، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۱۵. حسن، شیخ عبدالله، (۱۴۱۸ق). ليله عاشورا فی الحدیث و الادب، قم: چاپخانه بهمن.
۱۶. خویی، ابوالقاسم موسوی، (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، قم: دفتر آیت الله العظمی خویی.
۱۷. دایره المعارف تشیع، جلد هفتم، ۱۳۸۰
۱۸. راغب اصفهانی، حسین، (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم.
۱۹. زراری، ابو غالب، (۱۳۹۹ق). رساله فی آل اعین (رساله ابو غالب زراری)، قم: انتشارات المطبعة الربانی.
۲۰. شاکری، حسین، (۱۴۱۸ق). مناظرات الامام الصادق (ع)، قم: چاپخانه ستاره.
۲۱. شبیری زنجانی، سید موسی، «سخنی در باب اعتبار سنجی زیارت عاشورا»، مجله سفینه، ۱۳۸۶، شماره ۱۴.

۲۲. شهید اول، محمدبن مکی عاملی، (۱۴۱۰ق). المزار شهید اول، قم: مدرسه امام مهدی (عج).
۲۳. طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۱۱ق). مصباح المتهدد و سلاح المتعبد، بیروت: موسسه فقه الشیعه.
۲۴. طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۱۷ق). الفهرست کتب الشیعه و اصولهم، قم: موسسه نشر اسلامی.
۲۵. طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۱۵ق). رجال الطوسی، تحقیق: جواد قیومی. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۶. طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۰۴ق). اختیار معرفه الرجال (رجال الکشی)، قم: موسسه آل البيت (ع).
۲۷. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین، تصحیح: سید هاشم رسول محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلان.
۲۸. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، (۱۴۱۷ق). خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال، قم: موسسه نشر الفقاهه.
۲۹. عیاشی، محمدبن مسعود، (۱۳۸۰ق). التفسیر العیاشی (کتاب التفسیر)، مصحح: سید هاشم رسول محلاتی، تهران چاپخانه علمیه اسلامی.
۳۰. کفعمی، تقی الدین ابراهیم بن علی، (۱۴۲۰ق). المصباح الکفعمی، بیروت: موسسه النعمان.
۳۱. کورانی عاملی، شیخ علی، (۱۴۲۳ق). الحق المبین فی معرفه المعصومین (ع)، قم: دار الهادی للطباعه و النشر.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳ش). اصول کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۳. کوفی، فرات بن ابراهیم، (۱۴۱۰ق). تفسیر فرات کوفی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۳۴. لباف، علی، (۱۳۹۱). زیارت عاشورا در میراث مکتوب شیخ طوسی، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
۳۵. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق). بحار الانوار الجامعه لدر اخبار الائمه الاطهار، جلد ۱۰۰، بیروت: موسسه الوفال.
۳۶. مجلسی، محمد باقر، (۱۳۸۶). تحفه الزائر، قم: موسسه پیام امام هادی (ع).
۳۷. مشهدی، محمدبن جعفر، (۱۴۱۹ق). المزار الکبیر، مصحح: جواد قیومی، قم: موسسه نشر اسلامی.
۳۸. مشهدی، میرزا محمد، (۱۴۱۰ق). تفسیر کنز الدقائق، قم: موسسه نشر اسلامی.
۳۹. معارف، مجید، (۱۳۹۳). تاریخ عمومی حدیث با رویکرد تحلیلی، تهران: انتشارات کویر.
۴۰. مفید، محمدبن نعمان، (۱۴۰۹ق). کتاب المزار (مناسک المزار)، قم: مدرسه امام مهدی (عج).
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۴). مفاتیح نوین، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).
۴۲. نجاشی، احمدبن علی، (۱۴۰۷ق). رجال نجاشی (فهرست اسماء مصنفی الشیعه)، قم: انتشارات آیت اله شیری زنجانی.

۴۳. زهه الزاهد (ادعیه ماثور با توضیحات فارسی قرن ششم)، نویسنده نامشخص، (۱۳۷۶) تصحیح: رسول جعفریان، تهران: اهل قلم.

۴۴. نفیسی، شادی، (۱۳۷۷). «معیارهای نقد دعا در اخبار الدخيله»، آینه پژوهش، دوره ۹، شماره ۵۳، ص ۴۴-۵۲.

۴۵. نمازی شاهرودی، علی، (۱۴۱۳ق). مستدرکات علم رجال الحدیث، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۴۶.